

## تفسیر سوره قدر

به نام خداوند رحمان و رحیم. ما این قرآن عظیم الشان را (که رحمت واسع و حکمت جامع

است) در شب قدر نازل کردیم....



سوره قدر مکی است و پنج آیه دارد

### سوره قدر آیات ۱ - ۵

بسم الله الرحمن الرحيم انا انزلناه في ليلة القدر (۱) و ما ادراك ما ليلة القدر (۲) ليله القدر  
خير من الف شهر (۳) تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر (۴) سلام هي حتى مطلع  
الفجر (۵)

### ترجمه آیات

به نام خداوند رحمان و رحیم. ما این قرآن عظیم الشان را (که رحمت واسع و حکمت جامع است)

در شب قدر نازل کردیم (۱).

و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ (۲).

شب قدر (در مقام و مرتبه) از هزار ماه بهتر و بالاتر است (۳).

در این شب فرشتگان و روح (یعنی جبرئیل) به اذن خدا از هر فرمان (و دستور الهی و سرنوشت خلق)

نازل می شوند (۴).

این شب رحمت و سلامت و تهنیت است تا صبحگاه (۵).

## بیان آیات

این سوره نزول قرآن در شب قدر را بیان می کند، و آن شب را تعظیم نموده از هزار ماه بالاتر

می داند، چون در آن شب ملائکه و روح نازل می شوند، و این سوره، هم احتمال مکی بودن را

دارد، و هم می تواند مدنی باشد، و روایاتی که درباره سبب نزول آن از امامان اهل بیت (علیهم

السلام) و از دیگران رسیده خالی از تایید مدنی بودن آن نیست، و آن روایاتی است که دلالت

دارد بر اینکه این سوره بعد از خوابی بود که رسول خدا (ص) دید، و آن خواب این بود که دید بنی

امیه بر منبر او بالا می روند، و سخت اندوهناک شد، و خدای تعالی برای تسلیت این سوره را نازل

کرد (و در آن فرمود شب قدر بهتر از هزار ماه حکومت بنی امیه است).

"انا انزلناه فی لیلہ ُ القدر"

ضمیر در "انزلناه" به قرآن برمی گردد، و ظاهرش این است که: می خواهد بفرماید همه قرآن را در شب قدر نازل کرده، نه بعضی از آیات آن را، مؤیدش هم این است که تعبیر به انزال کرده، که ظاهر در اعتبار یکپارچگی است، نه تنزیل که ظاهر در نازل کردن تدریجی است.

و در معنای آیه مورد بحث آیه زیر است که می فرماید: "و الکتاب المبین انا انزلناه فی لیلۃ مبارکه" (۱)، که صریحا فرموده همه کتاب را در آن شب نازل کرده، چون ظاهرش این است که نخست سوگند به همه کتاب خورده، بعد فرموده این کتاب را که به حرمتش سوگند خوردیم، در یک شب و یکپارچه نازل کردیم.

پس مدلول آیات این می شود که قرآن کریم دو جور نازل شده، یکی یکپارچه در یک شب معین، و یکی هم به تدریج در طول بیست و سه سال نبوت که آیه شریفه "و قرآنا فرقناه لتقراه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا" (۲)، نزول تدریجی آن را بیان می کند، و همچنین آیه زیر که می فرماید: "و قال الذین کفروا لو لا نزل علیه القرآن جمله واحده کذلک لثبت به فؤادک و رتلناه ترتیلا" (۳).

و بنا بر این، دیگر نباید به گفته بعضی (۴) اعتنا کرد که گفته اند: معنای آیه "انزلناه" این است که شروع به انزال آن کردیم، و منظور از انزال هم انزال چند آیه از قرآن است، که در آن شب یکباره نازل شد نه همه آن.

و در کلام خدای تعالی آیه ای که بیان کند لیله مذکور چه شبی بوده دیده نمی شود بجز آیه "شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن" (۵) که می فرماید: قرآن یکپارچه در ماه رمضان نازل شده، و با

انضمام آن به آیه مورد بحث معلوم می‌شود شب قدر یکی از شبهای ماه رمضان است، و اما اینکه کدامیک از شب‌های آن است در قرآن چیزی که بر آن دلالت کند نیامده، تنها از اخبار استفاده می‌شود، که ان شاء الله در بحث روایتی آینده بعضی از آنها از نظر خواننده می‌گذرد.

در این سوره آن شبی که قرآن نازل شده را شب قدر نامیده، و ظاهراً مراد از قدر تقدیر و اندازه‌گیری است، پس شب قدر شب اندازه‌گیری است، خدای تعالی در آن شب حوادث یک سال را یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می‌کند، زندگی، مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و چیزهایی دیگر از این قبیل را مقدر می‌سازد، آیه سوره دخان هم که در وصف شب قدر است بر این معنا دلالت دارد: "فیها یفرق کل امر حکیم امرا من عندنا انا کنا مرسلین رحمہ ُ من ربک" (۶)، چون "فرق"، به معنای جدا سازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است، و فرق هر امر حکیم جز این معنا ندارد که آن امر و آن واقعه‌ای که باید رخ دهد را با تقدیر و اندازه‌گیری مشخص سازند.

و از این استفاده می‌شود که شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و آن سالی که قرآن در آن شبش نازل شد نیست، بلکه با تکرر سنوات، آن شب هم مکرر می‌شود، پس در هر ماه رمضان از هر سال قمری شب قدری هست، که در آن شب امور سال آینده تا شب قدر سال بعد اندازه‌گیری و مقدر می‌شود.

برای اینکه این فرض امکان دارد که در یکی از شبهای قدر چهارده قرن گذشته قرآن یکپارچه نازل شده باشد، ولی این فرض معنا ندارد که در آن شب حوادث تمامی قرون گذشته و آینده

تعیین گردد. علاوه بر این، کلمه "یفرق" به خاطر اینکه فعل مضارع است استمرار را می‌رساند، در سوره مورد بحث هم که فرموده: "شب قدر از هزار ماه بهتر است" و نیز فرموده: "ملائکه در آن شب نازل می‌شوند" مؤید این معنا است.

پس وجهی برای تفسیر زیر نیست که بعضی (۷) کرده و گفته‌اند: شب قدر در تمام دهر فقط یک شب بود، و آن شبی بود که قرآن در آن نازل گردید، و دیگر تکرار نمی‌شود. و همچنین تفسیر دیگری که بعضی (۸) کرده و گفته‌اند: تا رسول خدا (ص) زنده بود شب قدر در هر سال تکرار می‌شد، و بعد از رحلت آن جناب خدا شب قدر را هم از بین برد. و نیز سخن آن مفسر (۹) دیگر که گفته: شب قدر تنها یک شب معین در تمام سال است نه در ماه رمضان. و نیز سخن آن مفسر (۱۰) دیگر که گفته: شب قدر شبی است در تمام سال، ولی در هر سال یک شب نامعلومی است، در سال بعثت در ماه رمضان بوده در سال‌های دیگر در ماه‌های دیگر، مثلاً شعبان یا ذی القعدة واقع می‌شود، هیچ یک از این اقوال درست نیست.

بعضی (۱۱) دیگر گفته‌اند: کلمه "قدر" به معنای منزلت است، و اگر شب نزول قرآن را شب قدر خوانده به خاطر اهمیاتی بوده که به مقام و منزلت آن شب داشته، و یا عنایتی که به عبادت متعبدین در آن شب داشته.

بعضی (۱۲) دیگر گفته‌اند: کلمه "قدر" به معنای ضیق و تنگی است، و شب قدر را بدان جهت قدر خوانده‌اند که زمین با نزول ملائکه تنگ می‌گردد. و این دو وجه به طوری که ملاحظه می‌کنید چنگی به دل نمی‌زند.

پس حاصل آیات مورد بحث به طوری که ملاحظه کردید این شد که شب قدر بعینه یکی از شبهای ماه مبارک رمضان از هر سال است، و در هر سال در آن شب همه امور احکام می شود، البته منظورمان "احکام" از جهت اندازه گیری است، خواهید گفت پس هیچ امری از آن صورت

که در شب قدر تقدیر شده باشد در جای خودش با هیچ عاملی دگرگون نمی شود؟ در پاسخ می گوئیم: نه، هیچ منافاتی ندارد که در شب قدر مقدر بشود ولی در ظرف تحققش طوری دیگر

محقق شود، چون کیفیت موجود شدن مقدر، امری است، و دگرگونی در تقدیر، امری دیگر است، همچنان که هیچ منافاتی ندارد که حوادث در لوح محفوظ معین شده باشد، ولی مشیت الهی آن را تغییر دهد، همچنان که در قرآن کریم آمده: " یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب " (۱۳).

علاوه بر این، استحکام امور به حسب تحققش مراتبی دارد، بعضی از امور شرایط تحققش موجود است، و بعضی ها ناقص است، و احتمال دارد که در شب قدر بعضی از مراتب احکام تقدیر بشود، و بعضی دیگرش به وقت دیگر موکول گردد، اما آنچه از روایات بر می آید و به زودی روایاتش از نظر خواننده خواهد گذشت با این وجه سازگار نیست.

**"و ما ادریک ما لیلهُ القدر"**

این جمله کنایه است از جلالت قدر آن شب و عظمت منزلتش، چون با اینکه ممکن بود در نوبت دوم ضمیر لیلهُ القدر را بیاورد، خود آن را تکرار کرد. واضح تر بگوئیم، با اینکه

می توانست بفرماید: "و ما ادريک ما هې، هې خير من الف شهر" برای بار دوم و بار سوم خود کلمه را آورد و فرمود: "و ما ادريک ما ليله القدر ليله القدر خير من الف شهر".

### "ليله القدر خير من الف شهر"

این جمله به طور اجمال آنچه را که در جمله "و ما ادريک ما ليله القدر" بدان اشاره شده بود، یعنی عظمت آن شب را بیان می کند، و می فرماید: بدین جهت گفتیم آن شب مقامی ارجمند دارد که از هزار شب بهتر است.

و منظور از بهتر بودنش از هزار شب به طوری که مفسرین تفسیر کرده اند بهتر بودنش از حیث فضیلت عبادت است، و مناسب با غرض قرآن هم همین معنا است، چون همه عنایت قرآن در این است که مردم را به سوی خدا نزدیک، و به وسیله عبادت زنده کند، و زنده داری آن شب با عبادت بهتر است از عبادت هزار شب. و ممکن است همین معنا را از آیه سوره دخان نیز استفاده کرد، چون در آنجا شب قدر را پر برکت خوانده، و فرموده: "انا انزلناه فی ليله مبارکه" (۱۴) البته در این میان معنای دیگری نیز هست، که ان شاء الله در بحث روایتی آینده خواهد آمد.

### "تنزل الملكة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر"

کلمه "تنزل" در اصل تنزل بوده، و ظاهراً مراد از روح آن روحی است که از عالم امر است و خدای تعالی در باره اش فرموده: "قل الروح من امر ربی" (۱۵)، و اذن در هر چیز به معنای رخصت دادن در آن است، و یا به عبارت دیگر اعلام این معنا است که مانعی از این کار نیست.

و کلمه "من" در جمله "من کل امر" به گفته بعضی (۱۶) از مفسرین به معنای باء است.

بعضی (۱۷) دیگر گفته‌اند: به معنای خودش است، یعنی ابتدای غایت، ولی سببیت را هم می‌رساند،

و آیه را چنین معنا می‌دهد: "ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان و به سبب هر امری

الهی نازل می‌شوند".

بعضی (۱۸) دیگر گفته‌اند: باء برای تعلیل به غایت است، و معنایش این است "ملائکه و روح در

آن شب به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند، برای خاطر اینکه هر امری را تدبیر کنند".

لیکن حق مطلب این است که: مراد از امر، اگر آن امر الهی باشد که آیه "انما امره اذا اراد شیئا ان

يقول له کن فیکون" (۱۹) تفسیرش کرده، حرف "من" برای ابتدا خواهد بود، و در عین حال

سببیت را هم می‌رساند، و به آیه چنین معنا می‌دهد: "ملائکه و روح در شب قدر به اذن

پروردگارشان نازل می‌شوند، در حالی که نزولشان را ابتدا می‌کنند و هر امر الهی را صادر

می‌نمایند".

و اگر منظور از امر مذکور هر امر کونی و حادثه‌ای باشد که باید واقع گردد، در این صورت

حرف "من" به معنای لام تعلیل خواهد بود، و آیه را چنین معنا می‌دهد: ملائکه و روح در آن شب

به اذن پروردگارشان نازل می‌شوند برای خاطر تدبیر امری از امور عالم.

**"سلام هی حتی مطلع الفجر"**



در مفردات گفته: کلمه "سلام" و "سلامت" به معنای عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است (۲۰).

پس جمله "سلام می" اشاره است به اینکه عنایت الهی تعلق گرفته است به اینکه رحمتش شامل همه آن بندگانی بشود که به سوی او روی می آورند، و نیز به اینکه در خصوص شب قدر باب نقمتهش و عذابش بسته باشد، به این معنا که عذابی جدید نفرستد. و لازمه این معنا آن است که طبعاً در آن شب کید شیطان‌ها هم مؤثر واقع نشود، همچنان که در بعضی از روایات هم به این معنا اشاره رفته است.

ولی بعضی (۲۱) از مفسرین گفته‌اند: مراد از کلمه "سلام" این است که: در آن شب ملائکه از هر مؤمن مشغول به عبادت بگذرند سلام می دهند. برگشت این معنا هم به همان معنای اول است و این دو آیه یعنی آیه "تنزل الملائکه و الروح" تا آخر سوره در معنای تفسیری است برای آیه قبلی که می فرمود "لیله القدر خیر من الف شهر".

### بحث روایتی

در تفسیر برهان از شیخ طوسی از ابوذر روایت آورده که گفت: به رسول خدا (ص) عرضه داشتم یا رسول الله آیا شب قدر شبی است که در عهد انبیاء بوده و امر بر آنان نازل می شده و چون از دنیا می رفتند نزول امر در آن شب تعطیل می شده است؟ فرمود: نه بلکه شب قدر تا قیامت هست (۲۲). مؤلف: در این معنا روایات زیادی از طرق اهل سنت نیز آمده (۲۳).

و در مجمع البیان است که از حماد بن عثمان از حسان ابن ابی علی نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) از شب قدر پرسیدم، فرمود در نوزدهم رمضان و بیست و یکم و بیست و سوم جستجویش کن (۲۴).

مؤلف: در معنای این روایات روایاتی دیگر نیز هست، و در بعضی از اخبار تردید بین دو شب شده، یکی بیست و یکم و دیگری بیست و سوم، مانند روایتی که عیاشی از عبد الواحد از امام باقر(ع) روایت کرده (۲۵). و از روایاتی دیگر استفاده می شود که شب قدر خصوص بیست و سوم است، و اگر معینش نکرده اند به منظور تعظیم امر آن بوده، تا بندگان خدا با گناهان خود به امر آن اهانت نکنند (۲۶).

و نیز در تفسیر عیاشی در روایت عبد الله بن بکیر از زراره از یکی از دو امام باقر و صادق(ع) آمده که فرمود: شب بیست و سوم همان شب جهنی است، و حدیث جهنی این است که گفت: به رسول خدا(ص) عرضه داشتم: منزل من از مدینه دور است، دستورم بده در شب معینی داخل مدینه شوم فرمود: شب بیست و سوم داخل شو (۲۷).

مؤلف: حدیث جهنی که نامش عبد الله بن انیس انصاری بود، از طرق اهل سنت نیز روایت شده، و سیوطی آن را در الدر المشور از مالک و بیهقی نقل کرده (۲۸).

و در کافی به سند خود از زراره روایت کرده که گفت: امام صادق(ع) فرمود: تقدیر در نوزدهم و ابرام در شب بیست و یکم و امضا در شب بیست و سوم است (۲۹).

مؤلف: در این معنا هم روایات دیگری هست (۳۰).

پس معلوم شد آنچه همه روایات مختلفی که از ائمه اهل بیت (ع) وارد شده در آن اتفاق دارند این است که: شب قدر تا روز قیامت باقی است، و همه ساله تکرار می شود، و نیز لیلَةُ الْقَدْرِ شبی از شبهای رمضان، و نیز یکی از سه شب نوزده و بیست و یک و بیست و سه است.

و اما از طرق اهل سنت روایات به طور عجیبی اختلاف دارند که به هیچ وجه نمی شود بین آنها را جمع کرد، ولی معروف بین اهل سنت این است که شب بیست و هفتم است، و در آن شب بوده که قرآن نازل شده. از خوانندگان محترم هر که بخواهد آن روایات را ببیند باید به تفسیر الدر المنثور و سایر جوامع حدیث مراجعه کند.

و در الدر المنثور است که خطیب از ابن مسیب روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: در خواب به من نشان دادند که بنی امیه بر منبرم بالا می روند، و این معنا بر من سخت گران آمد و خدای تعالی در این مناسبت سوره "انا انزلناه فی لیلَةُ الْقَدْرِ" را نازل کرد (۳۱).

مؤلف: نظیر این روایت را خطیب هم در تاریخ خود از ابن عباس آورده و ترمذی و ابن جریر، طبرانی، ابن مردویه و بیهقی هم روایتی در معنای آن از حسن بن علی نقل کرده اند (۳۲). و در این میان روایات بسیاری در این معنا از طرق شیعه از ائمه اهل بیت (ع) نقل شده، و در آنها آمده که خدای تعالی لیلَةُ الْقَدْرِ را که بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیه است به عنوان تسلیت به رسول خدا (ص) عطا فرمود (۳۳).

و در کافی به سند خود از ابن ابی عمیر از عده ای راویان از امام صادق (ع) روایت آورده که گفت: بعضی از اصحاب ما امامیه که به نظر می آید سعید بن سمان بود از آن جناب پرسید: چگونه شب

قدر از هزار ماه بهتر است؟ (با اینکه در آن هزار ماه در هر دوازده ماهش یک شب قدر است)، فرمود عبادت در شب قدر بهتر است از عبادت در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد (۳۴).

و در همان کتاب به سند خود از فضیل، زراره و محمد بن مسلم از حمران روایت کرده که از امام

باقر(ع) از معنای آیه "انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ" سؤال کرد، فرمود بله شب قدر که همه ساله در

ماه رمضان در دهه آخرش تجدید می شود شبی است که قرآن جز در آن شب نازل نشده، و آن

شبی است که خدای تعالی در باره اش فرموده: "فیها یفرق کل امر حکیم".

آنگاه فرمود: در آن شب هر حادثه‌ای که باید در طول آن سال واقع گردد تقدیر می شود، چه خیر

و چه شر، چه طاعت و چه معصیت، و چه فرزندی که قرار است متولد شود، و یا اجلی که بنا است

فرا رسد، و یا رزقی که قرار است (تنگ و یا وسیع) برسد، پس آنچه در این شب مقدر شود، و

قضایش رانده شود قضایی است حتمی، ولی در عین حال مشیت خدای تعالی در آنها محفوظ

است (و خدا با حتمی کردن مقدرات، العیاذ بالله به دست خود دست بند نمی زند).

حمران می گوید: پرسیدم منظور خدای تعالی از اینکه فرمود "شب قدر بهتر است از هزار

شب" چیست؟ فرمود عمل صالح از نماز و زکات و انواع خیرات در آن شب بهتر است از همان

اعمال در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد، و اگر خدای تعالی جزای اعمال خیر مؤمنین را

مضاعف نمی کرد، مؤمنین بجایی نمی رسیدند، ولی خدا پاداش حسنات ایشان را مضاعف می کند

(۳۵).

مؤلف: منظور امام از اینکه فرمود: "ولی در عین حال مشیت‌خداى تعالى در آنها محفوظ است"، این است که قدرت خداى تعالى همیشه مطلق است، او هر زمان هر کاری را بخواهد می‌کند، هر چند قبلاً خلاف آن را حتمی کرده باشد، و خلاصه حتمی کردن یک مقدر قدرت مطلقه او را مقید نمی‌کند، او می‌تواند قضای حتمی خود را هم نقض نماید هر چند که هیچ وقت چنین کاری را نمی‌کند.

و در مجمع است که از ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت

شده که فرمود: وقتی شب قدر می‌شود ملائکه‌ای که ساکن در سدره المنتهی هستند و جبرئیل

یکی از ایشان است نازل می‌شوند، در حالی که جبرئیل به اتفاق سایر ساکن نامبرده پرچم‌هایی را

به همراه دارند، یک پرچم بالای قبر من، و یکی بر بالای بیت المقدس، و پرچمی در مسجد الحرام

و پرچمی بر طور سینا نصب می‌کنند، و هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای در این نقاط نمی‌ماند مگر آنکه

جبرئیل به او سلام می‌کند، مگر کسی که دائم الخمر و یا معتاد به خوردن گوشت خوک و یا

زعفران مالیدن به بدن خود باشد (۳۶).

و در تفسیر برهان از سعد بن عبد الله روایت کرده که به سند خود از ابی بصیر روایت کرده که

گفت: با امام صادق (ع) بودم که سخن از پاره‌ای خصائص امام در هنگام ولادت به میان آمد،

فرمود: وقتی شب قدر می‌شود امام مستوجب روح بیشتری می‌گردد. عرضه داشتم فدایت شوم مگر

روح همان جبرئیل نیست؟ فرمود: روح از جبرئیل بزرگتر است، و جبرئیل از سنخ ملائکه است، و

روح از آن سنخ نیست، مگر نمی بینی خدای تعالی فرموده: "تنزل الملائکه و الروح" پس معلوم می شود روح غیر از ملائکه است (۳۷).

■ مؤلف: روایات در معنا و خصائص و فضائل شب قدر بسیار زیاد است، (که ما در اینجا مختصری

از آن را آوردیم)، و در بعضی از آن روایات علامتهایی برای شب قدر ذکر شده، از قبیل این که:

صبح شب قدر آفتاب بدون شعاع طلوع می کند، هوا در صبح آن شب معتدل است، و لیکن چون

این علامتها نه دائمی است و نه اغلب چنین است، لذا از ذکر آن روایات خودداری نمودیم.

## پی‌نوشت:

- ۱- سوگند به کتاب مبین، ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم. سوره دخان، آیه ۳.
- ۲- ما قرآنی بر تو نازل کردیم که به صورت آیات جدا از هم می‌باشد، تا آن را تدریجا و با آرامش بر مردم بخوانی. و به طور قطع این قرآن را ما نازل کردیم. سوره اسراء، آیه ۱۰۶.
- ۳- آنانکه کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکباره بر او نازل نشد، بله یکباره نازل نکردیم، تا قلب تو را ثبات و آرامش بخشیم، و بدین منظور آیه آیه‌اش کردیم. سوره فرقان، آیه ۳۲.
- ۴- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
- ۵- سوره بقره، آیه ۱۸۵.
- ۶- در آن شب هر حادثه‌ای که باید واقع شود خصوصیاتش مشخص و محدود می‌گردد، این امری ست خلف ناپذیر، امری است از ناحیه ما که این ماییم فرستنده رحمتی از ناحیه پروردگارت. سوره دخان، آیه ۶.
- ۷- تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۵.
- ۸- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
- ۹- تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۵.
- ۱۰- روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۹۰.
- ۱۱ و ۱۲- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
- ۱۳- خدا هر چه را که از مقدرات بخوهد محو، و هر چه را بخوهد اثبات می‌کند، و کتاب تغییر ناپذیر نزد او است. سوره رعد، آیه ۳۹.
- ۱۴- ما آن را در شب مبارکی نازل کردیم. سوره دخان، آیه ۳.
- ۱۵- بگو روح از امر پروردگار من است. سوره اسراء، آیه ۸۵.

۱۶ و ۱۷ و ۱۸- روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۹۶.

۱۹- فرمان نافذ خدا(در عالم) چنین است که وقتی اراده خلقت چیزی را بکند به محض اینکه بگوید باش، موجود می شود.سوره یس، آیه ۸۲.

۲۰- مفردات راغب، ماده "سلم".

۲۱- روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۹۷.

۲۲- تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۸۸، ح ۲۶.

۲۳- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۱.

۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۹.

۲۸- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۳.

۲۹- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۵۹، ح ۹.

۳۰- نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۲۷.

۳۱- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۱.

۳۲- الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۱.

۳۳- نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۲۱ - ۶۲۳.

۳۴- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۴.

۳۵- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۶.

۳۶- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۰.

۳۷- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۱، ح ۱.

تفسیر المیزان جلد ۲۰ صفحه ۵۵۹



علامه سید محمد حسین طباطبائی